



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا فاطمة بنت محمد
أَعْلَى الْأَعْلَاءِ
السُّلْطَانَةِ الْمَرْوَمِ



تقویم و روز شمار ماه جمادی الثاني

۳ جمادی الثاني: شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها) (به روایت ۹۵ روز) (سال ۱۱ هجری قمری)

۱۳ جمادی الثاني: وفات حضرت ام البنین (عليها السلام) (سال ۶۴ هجری قمری)

۲۰ جمادی الثاني: میلاد فرخنده حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) (سال ۵ هجری قمری) / تولد امام خمینی (رحمت الله عليه) (سال ۱۳۲۰ هجری قمری)

۱۶ آذر: روز دانشجو

۹ دی: روز بصیرت

در این شماره اسوه می خوانیم:

شهادت «ذوالفقار عزالدین» از قاب اسوه	در شرایط حساس تاریخ قرار داریم
مذاکره کننده تراز جمهوری اسلامی یعنی ایشان	ابعاد جهاد فاطمی
حقیقت تساوی زن و مرد در اسلام	چهره یک جامعه اسلامی
ویژگیها و فضائل حضرت ام البنین (عليها السلام)	سبک زندگی کوثری (قسمت چهل و نهم: سوره کریمه تحریم)
در غم هجر رخ ماه تو در سوز و گدازیم	تربیت در محیط رفاقتی (قسمت بیست و پنجم)

در شرایط حساس تاریخ قرار داریم

فخری مرجانی

غرب و صهیونیست متوحش با همه امکاناتش به میدان آمده است. به فرموده ولی فقیه لحظه مرگ و زندگی هم برای جبهه حق است و هم برای جبهه باطل.

جریان نفاق و کفر هم دست به دست هم داده‌اند. نفاقی که همیشه پنهان بود، اینجا که منافع دنیایی‌اش حکم کرد در صف اول کافر حربی قرار گرفت تا اسلام جعلی و داعشی را بر مردم منطقه تحمیل کنند.

در چنین شرایطی منفعل بودن مساوی با خیانت است. جهاد تبیین را جدی بگیریم.

با تمام وجود برای مدافعان حرم زینبی و مدافعان حریم اسلام دعا کنیم. حق جویان و حق خواهان عالم همه به پا خواسته‌اند. نکنند از این صف جدا شویم. باید خودمان را به نقطه درست تاریخ برسانیم. همان جا که قرن هاست اولیا و انبیا (علیهم السلام) خواهان دیدن آن بودند.

همان جا که حکومت خدا روی زمین جلوه‌گر می‌شود.

«الهم عجل لولیک الفرج» را این روزها باید بیش از گذشته خواند و عاجزانه درخواست کرد.

ابعاد جهاد فاطمی

بیانات مقام معظم رهبری



وقتی درباره عبادت و معنویت حضرت زهرا سخن می‌گوییم «بعضی خیال می‌کنند آن انسانی که مشغول عبادت است و یک عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است، نمی‌تواند یک انسان سیاسی باشد؛ یا بعضی خیال می‌کنند آن کسی که اهل سیاست است... نمی‌تواند اگر زن است، یک زن خانه باشد... خیال می‌کنند این‌ها با هم منافات دارد.» (۱۳۶۸/۹/۲۲) در حالی که «فاطمه زهرا این سه چیز را از هم جدا نکرد.» (۱۳۶۸/۹/۲۲) و اگر به زندگی ایشان نگاه کنیم، می‌بینیم «این زندگی از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و دفاع از امامت و دفاع از نظام اسلامی، یک دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار است.» (۱۳۶۸/۱۰/۲۶)

در ادامه به توضیح برخی از این ابعاد می‌پردازیم:

دفاع عالمانه از حق ولایت

اجتماعی و آن آینده‌نگری و آن قدرت برخورد با عظیم‌ترین مسائل زمان خود رسیده است.» (۱۳۷۲/۹/۸) لذا با قطعیت می‌توان گفت «فاطمه‌ی زهرا در نقش یک رهبر واقعی است؛ همان‌طور که امام بزرگوار فرمودند که اگر فاطمه‌ی زهرا مرد بود، پیغمبر می‌شد. این خیلی حرف عجیبی است، خیلی حرف بزرگی است... یعنی یک رهبر به تمام معنا، مثل یک پیغمبر، مثل یک هدایتگر عموم بشر.» (۱۳۹۵/۱۲/۲۹)

فاطمه، الگوی انسان تراز اسلامی «این‌ها خصوصیات فاطمه‌ی زهرا است. ما اینها را بایستی به‌عنوان الگو، به‌عنوان اسوه، در نظر داشته باشیم و خودمان را به آن نزدیک کنیم.» (۱۳۹۵/۱/۱۱) الگو قرار دادن ایشان به این است که ما هم «باید راه فاطمه‌ی زهرا را برویم. ما هم باید گذشت کنیم، ایثار کنیم، اطاعت خدا کنیم، عبادت کنیم... ما هم باید در همه‌ی حالات تلاش کنیم، تا حق را احقاق کنیم. ما هم باید از کسی نترسیم. مگر نمی‌گوییم که یک‌تنه در مقابل جامعه‌ی بزرگ زمان خود ایستاد؟» (۱۳۷۰/۱۰/۵) لذا «شخصیت زهرا‌ی اطهر در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، یک شخصیت ممتاز و برجسته‌ای است؛ به‌طوری که همه‌ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند درس بگیرند.» (۱۳۶۸/۱۰/۲۶)

نکته پایانی اینکه «زندگی آن بانوی بزرگ اسلام نشان می‌دهد که زن مسلمان برای ورود در صحنه سیاست و میدان کار و تلاش و نیز ایفای نقش فعال در جامعه همراه با تحصیل، عبادت، همسررداری و تربیت فرزندان می‌تواند پیرو فاطمه زهرا باشد.» (۱۳۷۲/۹/۱۷)

حضرت فاطمه در بُعد جهاد تبیین «در برخوردش با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم... یک جهادگر به تمام معنا، خستگی‌ناپذیر، محنت‌پذیر است.» (۱۳۶۸/۹/۲۲) در آن «شرایط بسیار دشوار و غیر قابل توضیح حتی برای افکار خواص... دختر پیغمبر می‌آید در مسجد و آن خطبه‌ی غرّاء را، آن بیان عجیب را، ارائه می‌کند و اداء می‌کند و حقایقی را بیان می‌کند.» (۱۳۹۵/۱۲/۲۹) این تبیین، البته یک تبیین عالمانه است. به طوری که «در مقدمات این خطبه، می‌بینید یکپارچه حکمت و معرفت از زبان دُرّبار آن بزرگوار در فضا منتشر شده... در عالی‌ترین سطحی که برای ما قابل درک است، در این خطبه‌ی مبارکه، معارف الهی و معارف اسلامی ذکر شده است.» (۱۳۸۹/۳/۱۳) و «خطبه‌ای است که به گفته‌ی علامه‌ی مجلسی، «بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند!» این قدر پرمغز است!» (۱۳۷۱/۹/۲۵)

رهبری و هدایتگری جامعه

درباره‌ی نقش آفرینی در مسائل اجتماعی «آثار و روایات ما نشان می‌دهد که فاطمه‌ی زهرا، فقط مسئولیت نبوت و امامت نداشته، و الا از لحاظ معنوی، تفاوتی با پیغمبر و امیرالمؤمنین علیهم‌الصلاة والسلام ندارد... یک خانم هجده ساله، در سنین فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها که حداکثر سن ایشان بوده است به آن مقامات عالی معنوی و عرفانی و آن حکمت و آن گویندگی و آن تحلیل مسائل سیاسی و

چهره یک جامعه اسلامی

در سوره مبارکه انا فتحنا می فرماید: «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»

در اینجا چهره یک جامعه اسلامی ترسیم شده است و مسئله اولی که ذکر می کند، معیت با پیغمبر و ایمان به پیغمبر است. مرحله دوم «اشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» در مقابل بیگانگان محکم، قوی و نیرومند بودن است.

... اسلام، مسلمان سست را نمی پذیرد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». سستی در دین اسلام نیست. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می گوید: هیچ دینی به اندازه اسلام پیروان خود را به قوت و نیرومندی دعوت نکرده است. گردن را کج کردن، از گوشه لب آب ریختن، یقه باز بودن، یقه چرک بودن، خود را به ننه من غریبم زدن، پا را به زمین کشیدن، عبا را به سر کشیدن، اینها ضد اسلام است. ناله کردن، آه کشیدن ضد اسلام است. «أَمَا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» خدا به تو سلامت داده، قوت داده، قدرت و نیرو داده. تو که می توانی کمرت را راست بگیری، چرا بیخود کج می کنی؟ تو که می توانی گردنت را راست نگه داری، چرا بیخود کج می کنی؟ چرا بیخود آه می کشی؟ آخر آه کشیدن یعنی یک دردی دارم؛ خدا که به تو دردی نداده، چرا آه می کشی؟ این کفران نعمت خداست. آیا علی همین طور راه می رفت که من و تو راه می رویم؟ آیا علی این جور عبا را بر سر می کشید و این طرف و آن طرف می رفت؟! اینها از اسلام نیستند. «اشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» در مقابل بیگانه، شدید، محکم مثل سد اسکندر، آهنین. در میان خودشان، با مسلمان ها چطور؟ «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» مهربان، دوست و صمیمی. باز وقتی می رویم سراغ مقدس های خودمان، چیزی که در وجود اینها نمی بینیم صمیمیت و مهربانی نسبت به دیگران است؛ همیشه اخم کرده و عبوسند، با احدی نمی جوشند، با احدی نمی خندند، به احدی تبسم نمی کنند، بر سر همه مردم دنیا منت دارند. اینها مسلمان نیستند، خودشان را به اسلام بسته اند. این هم خصوصیت دوم.

آیا همین دیگر کافی است؟ شدت در مقابل کفار و مهربانی و صمیمیت نسبت به مسلمین، برای مسلمان بودن کافی است؟ نه. «تَرِيَهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يُبْتِغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا» در عین حال همین فرد شدید در مقابل بیگانه، و صمیمی و مهربان در میان خودیها و با مسلمانان را وقتی در محراب عبادت می بینی، در رکوع، در سجود، در حال دعا و در حال عبادت و مناجات، «رُكْعًا سُجَّدًا» عبادتش است، «يُبْتِغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا» داعیوش است. البته نمی خواهیم میان دعا و عبادت مرز قائل بشوم. دعا

عبادت است و عبادت هم دعا، اما گاهی یک عمل صرفاً دعای خالص است یعنی عبادتی است که فقط دعاست ولی عبادت دیگری دعا و غیر دعا در آن مخلوط است مثل نماز، و یا عبادت دیگری اساساً دعا نیست مثل روزه.

«سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَنْ تَسِرَ السُّجُودِ» آن قدر عبادت می کند که آثار عبادت، تقوا و خداپرستی در وجنات و چهره اش پیداست؛ هر که به او نگاه کند، در وجودش خداشناسی و یاد خدا را می بیند، او را که می بیند به یاد خدا می افتد. در حدیث است (و شاید از رسول اکرم باشد) که حواریین عیسی بن مریم از او سؤال کردند: «یا رُوحَ اللَّهِ! مَنْ نُجَالِسُ» ما با چه کسی همنشینی کنیم؟ فرمود: «مَنْ يَذْكُرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتْهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مُنْطَقَهُ وَ يَرْعُبُكُمْ فِي الْخَيْرِ عَمَلُهُ» با کسی بنشینید که وقتی او را می بینید به یاد خدا بیفتید (در سیما و وجنات او خدا ترسی و خداپرستی را ببابید)، با آن کس که علاوه بر این، سخن که می گوید از سخنش استفاده می کنید، بر علم شما می افزاید. وقتی به عملش نگاه می کنید، به کار خیر تشویق می شوید. با چنین کسانی نشست و برخاست کنید.

در دنباله آیه می گوید: «ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْبَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْأَنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَاةً فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ يَغْرِبُ السَّرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ». در تورات و انجیل، اینها با این صفت یاد شده اند، درباره شان گفته شده است که چنین امتی به وجود می آید. به این شکل تجسم پیدا کرده و توصیف شده اند که مثلشان مثل یک زراعت است، مثل یک گندم است که در زمین کشت می شود و بعد، چون زنده است، از زمین می روید. در آغاز برگ نازکی بیرون می دهد ولی تدریجاً این برگ درشت تر می شود و استحکام پیدا می کند، آنچنان که کم کم به صورت یک ساقه کلفت درمی آید. بعد به شکلی درمی آید که روی پای خودش می ایستد در حالی که قبلاً برگی بود افتاده روی زمین و از خود استقلال نداشت. آنچنان رشد می کند که همه کشاورزان را، همه متخصصان انسان شناسی را به حیرت درمی آورد که چه ملت رشیدی، چه ملت بالندهای، چه ملت در حال رشدی! البته ملتیی که هم «اشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» باشد، هم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، هم «رُكْعًا سُجَّدًا» و هم «يُبْتِغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا»، قطعاً این جور است.

سبک زندگی کوثری

(از ناس تاملک) تحریم

دکتر زهرا خلخالی

zahrakhalkhali45@yahoo.com

بود «وَأَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ» را به خاطر «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» در نظر بگیرند. «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ها «تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» دارند و امید است «أَنْ يَكْفِرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» شده و داخل در بهشت‌هایی شوند که «تُورَهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» هستند تا در برابر درخواست «أَتَمِّمَ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرَ لَنَا» «إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» را با ابتدای سوره ملک با «وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» به مساوات بکشاند تا در مقایسه تمثیلی همسران نوح و لوط با همسر فرعون و مریم دختر عمران به «أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمْ مَنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» فرا بخواند، تا در سایه این صراط مستقیم، **شکر و توکل** را از نشانه‌های «مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ» برشمارد، هنگامی که گفت: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» به «قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ» تعبیر نماید.

در سوره تحریم دوبار «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» تکرار گشته تا در آغاز، **جهاد با نفس** را به **معرفت** بکشاند و در نیمه دوم سوره **جهاد با کفر و منافقان** و سخنگیری به ایشان را برشمارد تا در تصدیق کلمات پروردگار، «وَكَاذِبٌ مِنَ الْفَاقِتِينَ» باشد.

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در ترتیب آخر به اول قرآن، **نخستین** بار در سوره تحریم به چشم می‌خورد که دو بار تکرار شده است (آیات ۶ و ۸). و پس از آن از مؤمنان خواسته شده است خود و خانواده خویش را از آتش جهنم نگاه دارند (آیه ۶) و بسوی خدا توبه کنند (آیه ۸). بنابراین **صرف ایمان آوردن انسان را از آتش جهنم حفظ نمی‌کند!** بسیاری کسانی که در زمره «الَّذِينَ آمَنُوا» هستند، اما اهل آتشند و تجربه‌ای از توبه ندارند!

در سیره نبوی، **حزب مفصل (سوره ناس تا ق)** مجموعه شصت و پنج سوره، حزب آموزشی قرآن کریم است که به **پنج مقطع** شگفت‌انگیز تقسیم می‌شود: مقطع نخست: ناس تا ضحی؛ دوم: لیل تا نیا؛ سوم: مرسلات تا ملک؛ چهارم: تحریم تا مجادله، و مقطع پنجم: حدید تا ق. اکنون که بعد از آشنایی با چهل و هشت سوره، وارد مرحله چهارم این طرح عظیم شده‌ایم، مشاهده می‌فرمایید **اولین سوره مدنی** پیش روی ماست! بحث از تربیت فردی وارد **تربیت خانواده و جامعه** شده است و مباحثی چون **نفاق و منافقان، توطئه و رازداری و جهاد و ...** مطرح می‌گردد.

رکوع نخست با **پرسی همراه مؤاخذه** پیامبر را با «غفور و رحیم» **دلجویی** می‌نماید تا فقط **مرضات الله** مطرح باشد، و مومنان به پیشگیری از دامن زدن به شایعاتی که منافقان و کافران در باره **مسائل داخلی زندگی پیامبر** مطرح می‌کنند، امر شده‌اند. و در رکوع دوم با ضرب المثل از **نماد کفر و ایمان**، این مهم را یادآور می‌شود که **زنان استقلال رأی** دارند و نزدیکی به محور کفر و ایمان، سبب نمی‌شود که یک زن مثل همسرش بیندیشد و زندگی کند، بلکه خود او می‌تواند محور ایمان یا کفر گردد.

«تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» آمد تا «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» را در «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»، فرا بخواند که او علیم حکیم است تا برای رسولش فقط «تَبَتَّغِي مَرْضَاءَهُ» خداوند را رقم بزنند. رسولی که قرار است با **خانواده خود**، ترسیم امت اسلامی را به ارمغان بیاورد، پس از ایشان آنانی که **سر پیامبر** را بر دیگران عرضه کنند «فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ» هستند، گرچه «فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ» باشند، تا اگر «إِنْ تَوَبَّا إِلَى اللَّهِ» شوند، «فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ» نشان از **عدم توبه** ایشان دارد، در حالی که شایسته

سوره شناسی سوره تحریم

شماره سوره: سوره تحریم (۶۶ از آخر ۴۹، نزول: ۱۰۸)؛ ۱۲ آیه، دو رکوع؛ (۱-۸)

۹-۱۲، مکی

نام‌های دیگر: نبی، محرم

شرح لغات: تحله: گشودن گره، قسم؛ ایمان: قسم‌ها؛ صغت: منحرف شد؛ قانتات: فرمانبرداران؛ سائحات: روزه‌داران، سیاحت‌گران؛ ثیبات: بیوه زن‌ها؛ ابکارا: دوشیزگان؛ غلاظ: تندخو؛ شداد: قدرتمندان؛ احصنت: صیانت کرد.

سوره زوج: نساء قصری (طلاق)

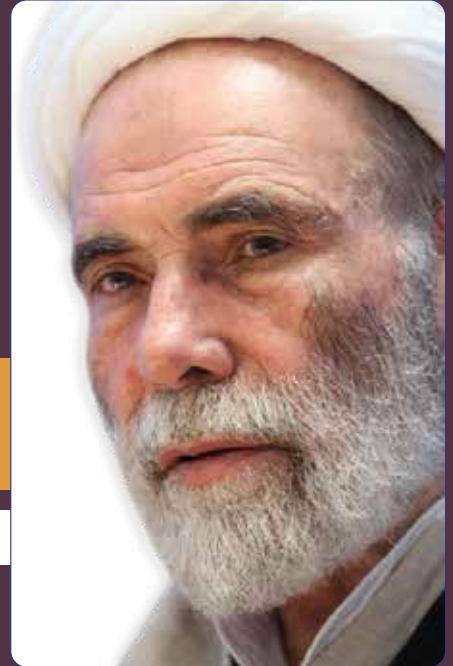
گروه: سوره آغاز شده با «یا ایها نبی»: طلاق و احزاب

محور موضوعی: ایمان و کفر یک امر مستقل است. سبک زندگی انسان باید به گونه‌ای باشد که همواره هم‌نشین و همسر از هم‌نشینی مومن رضایت داشته باشد

تفسیر روایی: پیامبر (ص): صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ منظور امیرالمؤمنین (ع) است.^۲

شان نزول: دو تن از همسران پیامبر از اینکه حضرت چند بار در منزل زینب بنت جحش غسل خورده، توطئه کردند که هر که زودتر ایشان را دید، بگوید دهان شما بوی بد مغفیر می‌دهد! لذا پیامبر سوگند خورد دیگر غسل نخورد و از همسرش خواست به کسی چیزی نگوید ولی او بی‌درنگ این سوگند پیامبر را به آن دیگری گزارش داد.^۱

فضیلت قرائت: پیامبر (ص) هر کس سوره‌ی یا ایها نبی لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ را بخواند، خداوند به وی توبه‌ای خالصانه عطا خواهد کرد. امام صادق (ع) هر کس سوره‌ی طلاق و تحریم را در نمازهای واجب خود تلاوت کند، خداوند مانع از آن می‌شود که در روز قیامت از کسانی باشد که هراسناک و غمناکند، و از آتش دوزخ و آسیب آن درمان خواهد بود، و خداوند او را به خاطر خواندن این دو سوره و مراقبتی که نسبت به آن‌ها داشته‌است به بهشت می‌برد، چرا که این دو سوره متعلق به رسول الله (ص) است.^۴



تربیت در محیط رفاقتی

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت بیست و پنجم

حالا من روایت را می‌خوانم تا مسئله روشن شود. در روایتی جابر جعفی از اصحاب امام باقر (علیه‌السلام) است نقل می‌کند که حضرت فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فَيْكَ خَيْرًا». اگر می‌خواهی بفهمی تواز نظر درونی، آدم خوبی هستی یا نه «فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ» به دلت نگاه کن. «نظر» هم که حضرت می‌فرماید یعنی «نگاه با دقت» که با رؤیت فرق می‌کند. «فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ» برو به انتهای دلت نگاه کن که چه چیزی آنجاست. «فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفَيْكَ خَيْرٌ» اگر در عمق قلبت دیدی که دوستان خدا و کسانی که اهل طاعت خدا هستند را دوست داری و از کسانی هم که گنهکارند و از فرمان الهی سرپیچی می‌کنند، خوشش نمی‌آید، بفهم که تو درون خوبی داری. برو از انتهای دلت خبر بگیر و ببین در آنجا چه خبر است.

حضرت برای اینکه انسان خودش را بشناسد، «دوستی» را مطرح می‌کند. «وَاللَّهُ يُحِبُّكَ» بدان که خدا هم تو را دوست می‌دارد. «وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فَيْكَ خَيْرٌ» اما اگر دیدی اهل طاعت و بندگی و کسانی که با خدا پیوند دارند را دوست نمی‌داری و برعکس اهل معصیت را دوست داری، بفهم که در تو خیری نیست و آدم خوبی نیستی. «وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ» و خدا هم از تو بدش می‌آید. حتی معیار ارزیابی خود انسان هم همین است. یعنی ببین حب و بغضت فی الله است یا خیر.

مراقب دلبستگی‌هایت باش

حال سؤالی در اینجا مطرح می‌شود که چرا این قدر روی این نوع رابطه تأکید شده است؟ پاسخ این است که چون این رابطه نقش سرنوشت‌ساز دارد. این دوستی و پیوند، یک پیوند سرنوشت‌ساز در ابعاد گوناگون وجودی انسان است. یعنی دلبستگی چه در بُعد اعتقادی، چه در بُعد نفسانی، چه در بُعد عقلی و چه در بُعد رفتاری؛ اعم از کردار و گفتار تأثیرگذار است. برای همین است که تا این اندازه روی این تأکید می‌کند که مراقب باش رفاقت، دلبستگی و محبتت فی الله و لله باشد. اگر غیر این باشد، برای تو خطرناک است. نعوذ بالله؛ زمانی چشم‌ت باز می‌شود که دیگر راه بازگشت نداری.

دلبستگی‌های انسان، ملاک ارزشیابی هر شخص

مطلب دیگری در روایات هست که خیلی هم عجیب است. تا اینجا سخن از این بود که رفاقت را ارزیابی کن و بعد خود رفاقت را محک بزن و عیارش را بسنج. اما در روایات این نکته را داریم که اگر می‌خواهی خودت را ارزیابی کنی باز به رفاقت‌ها و دلبستگی‌هایت نگاه کن. مثلاً من می‌خواهم خودم را بشناسم که آدم خوبی هستم یا آدم بدی هستم؟ شما دل‌تان نمی‌خواهد بفهمید؟ هرکسی می‌خواهد این را بفهمد که خودش آدم خوبی است یا آدم بدی است؟ با چه چیزی خودمان را بسنجیم؟ معیار سنجش خودم چیست؟

ناصر کاوه



«ذوالفقار عزالدین» از اهالی منطقه صور لبنان که در اولین روزهای درگیری‌های منطقه غوطه سوریه توسط اصابت مین مجروح شد، به اسارت تکفیری‌ها در آمد و تروریست‌ها او را به شهادت می‌رسانند. تروریست‌های تکفیری قبل از به شهادت رساندن ذوالفقار چندین سؤال از او می‌پرسند و پس از آن، ذوالفقار را مانند سرور و سالار شهیدان امام حسین (علیه‌السلام)، سر از تنش جدا کرده و او را به شهادت می‌رسانند.

ذوالفقار قبل از شهادتش در خواب دیده بود که سرش بریده می‌شود. او بیدار می‌شود و مجدداً به خواب می‌رود که این‌بار امام حسین (علیه‌السلام) را در خواب می‌بیند که ایشان به ذوالفقار می‌فرماید: «عزیز من! سر تو را خواهند برید همان‌طور که بر سر من در واقعه کربلا گذشت. اما دردی حس نخواهی کرد، چون فرشتگان از هر طرف تو را دربر خواهند گرفت». چندی بعد، خوابش تعبیر شد و همان‌گونه که در خواب دیده بود به دیدار مولایش امام حسین (علیه‌السلام) شتافت.

سردار سر لشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در مراسم چهلمین روز درگذشت مادر شهیدان حسین و اصغر ایرلو، در بیان مصداق و مثال عینی درباره قدرت ایدئولوژی مبتنی بر وحی خاطره شهید عزالدین را گفت که بغض گلوی خود و حاضرین در مراسم را گرفت. او گفت که «نوجوان ۱۸ ساله‌ای که در سوریه شهید شد، به مادرش می‌گوید، با توجه به خوابی که دیده‌ام این آخرین ناهاری است که باهم می‌خوریم، مادر اجازه تعریف خواب را نمی‌دهد. برای دوستانش این‌گونه تعریف کرده بود. دو شب است که خواب می‌بینم که روی سینه‌ام نشسته‌اند تا سرم از تنم جدا کنند، فریاد می‌زنم و آنوقت است که امام حسین (علیه‌السلام) می‌آید و می‌گوید، نترس درد ندارد سر من را هم بریدند، درد نداشت.»

زمانی که مادر خبر شهادت فرزندش را می‌شنود به فرماندهان می‌گوید: «سرم را مانند حسین (علیه‌السلام) ذبح کردند چون او به من و چند تن از دوستانش گفته بود». او در ایام جاویدالائری فرزندش تصویر آن لحظه را بزرگ، قاب کرده و در اتاقش زده و می‌گوید «ما نمی‌بینیم،

اما پسر فاطمه اینجاست و سر پسر را بر دامن دارد». در همان ایام، مادر ذوالفقار در تاب دوری از فرزندش نامه‌ای برایش می‌نویسد و در سخنانی سرتاسر شکوه و اقتدار می‌نویسد: «فرزندم ذوالفقار.. خدا تو را رو سفید بگرداند همین‌طور که مرا در مقابل زهرا (سلام‌الله‌علیها) روسفید کردی... من روز قیامت با افتخار می‌ایستم درحالی که سر خونی تو را در بغل دارم و با دست خودم خون تو را به آسمان پرتاب می‌کنم تا فرشتگان با خون تو بال‌های خود را آراسته کنند. شکایت خود را از قومی که با بریدن سر فرزندم قلب مرا شکستند و مرا از شرکت در عروسی‌اش (تشییع جنازه) محروم کردند به امیرمؤمنان (علیه‌السلام) خواهم کرد... فرزندم خون تو ضامن من نزد خدا خواهد بود و باعث افتخار من است. فکر نکنید که با کشتن فرزندم طاقت مرا می‌گیرید... فکر نکنید که با بریدن سر فرزندم قلب زینبی مرا پاره می‌کنید... به خدا قسم که من منتظر بازگشت پیکر فرزندم هستم تا عطر سرورم زینب (سلام‌الله‌علیها) را از آن استشمام کنم... می‌خواهم او را در سینه خود فشار بدهم و عطر شهادت را استشمام کنم... می‌خواهم بایستم و با صدای بلند بگویم خداوند این قربانی را از ما بپذیر... و خون تو را بر آسمان بریزم تا زهرا (سلام‌الله‌علیها) خون تو را بگیرد... پسر من قلب من برای تو بی‌تابی می‌کند و لکن زینب (سلام‌الله‌علیها) با صبر خود بر قلب من دست کشید... پسر من هر روز منتظر بازگشت تو هستم تا با ریختن گل روی پیکرت عروسی تو را بگیرم... منتظر تو هستم و اشکها مرا آتش می‌زنند... تهنیت پسر من که در بهشتی... تهنیت...»

چگونه مظلومیت یک ملت را روایت کنیم؟

میلاذ حسن زاده

برآورد می کنند ممکن است به بی حسی عاطفی مبتلا شده باشند.

مرحوم آیت الله فاطمی نیا می فرمود:

«هنگام مصیبت خواندن یک قدری پرده پوشی داشته باشید. همه چیز را نگویند. من استادی داشتم، می گفت بعضی روضه ها را در تمام عمرم فقط یک بار خوانده ام آن هم در روز عاشورا! باید حال مجلس را نگاه کرد. حالا چون چهار نفر نشستند بیایم مصیبت ظهر عاشورا را بخوانیم؟ نمی گویم مصیبت نگو اما یک قدری پرده برداری کن. مصیبت شش ماهه را حتماً کامل نگویند! مواظب باشید، من چهل سال منبر رفتم، خدا مرحمت کرده است، دستم را گرفته تا حالا مصیبت مکشوف نخواندم! یک وقتی در نجف یک روضه خوانی بوده، می گویند این روضه حضرت علی اکبر سلام الله علیه را خیلی تند خوانده بود، بعد یکی از بزرگان با خبر شده بود که وجود نازنین حضرت زهرا سلام الله علیها ناراحت هستند و فرموده بودند: بگو آنقدر دل ما را نسوزان!»

لازم است یادآور شوم، منظورم این نیست که مظلومیت غزه را روایت نکنیم، بلکه باید هوشمندانه روایت کنیم.

در این زمینه پیشنهاد میکنم مستند «۲۰ روز در ماریوپل» را ببینید.

در این مستند با اینکه اقدام اوکراین برای پیوستن به ناتو سبب جنگ بود اما کارگردان جنگ را بسیار هنرمندانه به نفع اوکراین روایت کرده، تصاویر دلخراش و با خشونت بسیار بالا را منتشر نکرده و با سانسور بعضی جملات و صحنه ها عزت ملت اوکراین را حفظ می کند.

مدتی قبل، یکی از دوستان، قطعه فیلمی از کودکی اهل غزه که به طرز دلخراشی به شهادت رسیده بود را در گروهی ارسال کرد. آنقدر تصویر جگرسوز بود که تا مدتی در شوک فرو رفتم. هر چند همین تأثیرپذیری، نیت منتشرکننده تصویر بود، اما متأسفانه از آسیب این حرکت خود اطلاعی نداشت. روایت جنگ و روایت مظلومیت یک ملت دارای ظرافتهایی است که اگر رعایت نشود اثری وارونه دارد. انتشار حجم بالا از چنین ویدئوهایی، آسیبی به نام حساسیت زدایی در پی دارد. مسئله حساسیت زدایی در روانشناسی رسانه درباره رفتار مخاطب به کار می رود.

بنیان این مسئله، عادت و خوگیری به موضوعی پرتکرار در زندگی است. مثلاً بر پایه این نظریه، با قرارگیری بیش از حد فرد در معرض برنامه های خشونت آمیز، از حساسیت او نسبت به تماشای خشونت کاسته می شود و نتیجه آن، بی تفاوتی و بی حسی عاطفی نسبت به قربانیان خشونت و حتی حقوق طبیعی آنان است. به چنین پیامدی حساسیت زدایی (یا خوگیری) نسبت به خشونت گفته می شود. حساسیت زدایی، هم در جریان زندگی واقعی موضوعیت دارد و هم در مورد صحنه های خشونت آمیز صادق است.

نظر بر این است که مدتی پس از خوگیری و عادت به دیدن صحنه های خشونت آمیز کم کم تأثیر رقت بار این گونه صحنه ها از بین خواهد رفت و در نتیجه همدلی نسبت به قربانی کاهش خواهد یافت. آنانی که میزان خشونت را که در دنیای واقعی جریان دارد ناچیز





حقیقت تساوی زن و مرد در اسلام

همه این‌ها جهاد فرهنگی است. در جهاد اقتصادی و جهاد فرهنگی هیچ فرقی بین زن و مرد نیست. همان‌گونه که مردها موظفاند اسلام را ترویج کنند و به دیگران شناسانند و از اسلام دفاع کنند خانم‌ها هم موظفاند. آن‌ها هم باید سعی کنند اسلام را به دیگران و مخصوصاً به خانم‌های دیگر، به دخترهای جوانی که تازه وارد اجتماع می‌شوند بهتر شناسانند. آن‌ها بهتر از خانم‌ها حرف می‌شنوند و خانم‌ها بیشتر می‌توانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند؛ بنابراین همان‌گونه که ما باید عالمان و مجتهدانی از مردها داشته باشیم که بتوانند از اسلام دفاع کنند، حتماً لازم است از میان خانم‌ها هم عالمانی داشته باشیم که بتوانند به‌خصوص برای دخترها و خانم‌های دیگر حقایق اسلام را بیان و از آن دفاع کنند. جهاد علمی بین مرد و زن مشترک است و همین‌طور اگر نیاز باشد که مردم حتماً از اموال‌شان صرف‌جامعه اسلامی و یا دفاع از اسلام کنند خانم‌هایی هم که درآمدهای اقتصادی یا ثروت‌های ارثی دارند باید در جهادهای مالی مشارکت کنند. پس در جهاد علمی و جهاد اقتصادی هم بین مرد و زن فرقی نیست.

امیدواریم خداوند متعال به همه ما توفیق دهد که وظایفمان را بهتر بشناسیم و بهتر عمل کنیم، دست ما را از دامان حضرت زهرا در دنیا و آخرت کوتاه نفرماید.

علامه محمد تقی مصباح یزدی، در جمع همسران دانش‌پژوهان به مناسبت میلاد حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)

پنجشنبه، ۲۰ فروردین ۱۳۹۴

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان

۱۲ آبان ۱۴۰۳

منظور ما از این‌که می‌گوییم مرد و زن در اسلام مساوی‌اند این نیست که همه حقوق و همه وظایفشان مثل هم است. مرد یک وظیفی دارد که زن ندارد. زن هم یک وظیفی دارد که مرد ندارد و همین‌طور حقوقی متناسب با آن وظایف. این نکته‌ها با این‌که خیلی ساده است و همه ما به راحتی می‌دانیم اما جوان‌هایی که تازه با فرهنگ غربی آشنا می‌شوند با این رسانه‌های بیگانه، با فیلم‌ها یا با چیزهای دیگر، ناخودآگاه به آن‌ها تزریق می‌شود که اسلام هم به شما ظلم کرده است! این است که ما باید سعی کنیم بچه‌هایمان را تربیت کنیم، به آن‌ها پیام‌زیم که همه این‌ها بر اساس حکمت الهی است و گرنه مرد و زن در پیشگاه الهی از نظر مقام، قرب و کمالاتی که می‌توانند کسب کنند و در جاتی که برای ابد می‌توانند کسب کنند تفاوتی ندارند. امیدواریم خداوند متعال به همه ما توفیق دهد که وظایفمان را بهتر بشناسیم.

وظایف اجتماعی مشترک میان زنان و مردان

معروف است که جهاد، مخصوص مردان است و بر زنان جهاد نیست. اولاً این در جهاد ابتدایی است. در جهاد دفاعی اگر احتیاج به مشارکت زنان باشد آن‌ها هم باید شرکت کنند. در دفاع در مقابل دشمن اگر نیاز به وجود زن باشد زن‌ها هم حتماً باید شرکت کنند. اگر لازم باشد باید سلاح دست بگیرند، آموزش ببینند یا کارهای دیگری پشت جبهه انجام دهند. بخشی از جهاد هست که اختصاص به مردها دارد.

آنچه مهم‌تر است و من می‌خواهم روی آن تکیه کنم این است که در فرهنگ اسلامی جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ. اول جهاد اقتصادی است و بعد فوق

ویژگی‌ها و فضائل

حضرت امّ البنین (علیها السلام)

عبد الکریم پاک‌نیا

ازدواج با امیر مؤمنان (علیه السلام)

وَالْبَيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ ثُمَّ أَهْلِ التَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ وَالشَّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكَرَمِ وَشُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ؛ همبستگی و پیوسته تو با مردم شایسته [و با فضیلت] باشد؛ که در خانواده‌های شریف [رشد کرده] و با حسن سابقه و نیکنامی زندگی کرده‌اند، مردمی که اهل رشادت، شجاعت، سخاوت و همت عالی باشند؛ زیرا چنین مردمی، کانون کرامت و شاخه شجره نیک و فضیلت‌اند.

بعد از آنکه مولای متقیان، حضرت زهرا (علیها السلام) را از دست داد و اشقیای روزگار، آن بانوی بانوان عالم را به شهادت رساند، فرزندان کوچک آن بزرگوار به مادری نیاز داشتند که در عین حالی که همسری حضرت را عهده‌دار می‌شود، برای آن عزیزان نیز مادری مهربان باشد. به همین سبب، امام علی (علیه السلام) از برادرش عقیل که دانشمندی تبارشناس در جهان عرب بود، چنین درخواست کرد: «أَنْظِرْ لِي امْرَأَةً قَدْ وَدَّهَا الْفُجُولَةُ مِنَ الْعَرَبِ لِاتَّوَجَّهَهَا فَتَلِدَ لِي غُلَامًا فَارِسًا»؛ برای همسری‌ام؛ بانویی از میان اعراب انتخاب کن که از نسل دلیرمردان عرب باشد و پسری جوانمرد و شجاع برایم به دنیا آورد. عقیل نیز بعد از فکر و اندیشه به امام پیشنهاد کرد که با امّ البنین کلابیه ازدواج کند؛ چرا که در میان اعراب، شجاع‌تر از نیاکان او یافت نمی‌شود. مولای متقیان نیز رأی برادرش را پسندید و عقیل را به خواستگاری فرستاد.

معرفت به مقام اهل بیت (علیهم السلام)

بدون تردید امّ البنین (علیها السلام) از زنان بافضیلت و عارف به حق اهل بیت (علیهم السلام) بود. وی محبتی خالصانه به آنان داشت و خود را وقف دوستی ایشان کرده بود. آنان نیز برای او جایگاهی والا و موقعیتی ارزنده قائل بودند.

اهمیت شرافت خانوادگی

هنگام برگشت کاروان کربلا به سوی مدینه، امّ البنین (علیها السلام) به بشیر گفت: «ای بشیر! از ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) برایم بگو.» بشیر، خبر شهادت چهار فرزندش را به او داد. وی گفت: «قَطَعْتَ نِيْاطَ قَلْبِي، أَخْبَرْتَنِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْلَادِي وَمَنْ تَحْتَ الْخَضِرَاءِ كُلُّهُمْ فِدَاءٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام)؛...؛ ای بشیر! با این خبر ناگوار، آینده‌های دلم را پاره کردی. از حسین برایم خبر بده. فرزندانم و هر آنچه در زیر آسمان کبود است، فدای ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) باد.» بشیر گفت: «خداوند به سبب مصیبت مولایمان امام حسین (علیه السلام) به شما پاداش بزرگ عنایت کند.»

امام در این رفتار خود که به اصالت نژاد یک دختر توجه می‌کند، درسی تربیتی نیز به پیروان خود می‌آموزد؛ همچنان که خود فرموده است: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ»؛ زیبایی اخلاق، دلیل آپاکی وراثت و افضلیت ریشه خانوادگی است.

این سخنان امّ البنین (علیها السلام) نیروی ایمان و مقدار پیروی او را از امام حسین (علیه السلام) نشان می‌دهد. همچنین، این سخن امّ البنین (علیه السلام) که «اگر حسین (علیه السلام) زنده باشد؛ کشته‌شدن چهار فرزندم اهمیت ندارد»، درجه بلند دیانت او را آشکار می‌سازد.

به یقین، توجه به اصالت خانواده، هنگام ازدواج، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و صفات اجداد و والدین، در رفتار فرزندان تأثیر خواهد داشت. البته از منظر امام (علیه السلام) نه تنها در مسئله مهم ازدواج اصالت خانوادگی ضرورت دارد؛ بلکه در حوزه اداره کشور و حکومت‌داری هم که کم‌اهمیت‌تر از نهاد خانواده نیست، آن حضرت به اصالت خانوادگی و شرافت و نجابت ریشه‌دار آن توجه دارد و در نامه‌اش به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ الصَّقِ بِذَوِي الْأَحْسَابِ

در غم هجر رخ ماه تو در سوز و گدازیم

تا به کی زین غم جانکاه بسوزیم و بسازیم
شب هجران تو آخر نشود رخ نمایی
در همه دهر تو در نازی و ما گرد نیازیم
آید آن روز که در بازکنی پرده گشایی
تا به خاک قدمت جان و سر خوش بیازیم
به اشارت اگرم وعده دیدار دهد یار
تا پس از مرگ به وجد آمده در ساز و نواییم
گر به اندیشه بیاید که پناهی سا به کویت
نه سوی بتکده رو کرده و نه راهی حجازیم
ساقی از آن خم پنهان که ز بیگانه پنهان است
باده در ساغر ما ریز که ما محرم رازیم

حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)

**قوله العاقلة لعلها
فلا يبيد عجزها**

**اقامه عزا به مناسبت
شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها
به مدت ۵ روز از دوشنبه ۱۲ آذرماه
الی جمعه ۱۶ آذرماه**

سخنران:
حجت الاسلام شیخ مهدی کازرانی
موضوع: راه رستگاری در سایه
حضرت فاطمه سلام الله عليها

ساعت شروع: ۱۵

نشانی:
کارگر جنوبی، پایین تر از چهارراه
لشکر، روبروی پمپ بنزین، کوچه
شهید غیاثوند قیصری بن بست آریا،
پلاک ۶. حسینیه موسسه فرهنگی
قرآن و عترت اسوه تهران

ویژه خواهران



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

مدیر هنری: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینیه (ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.nokavedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

نشانی: تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین تر از چهار راه لشکر- روبروی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۵-۵۵۴۸۲۰۲۵-۰۲۱